

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

دوره جدید - سال ششم - شماره یکم - بهار ۱۳۹۹ - شماره پیوسته ۲۷

بررسی بازتاب منزلت اجتماعی زنان بختیاری از طریق پوشاک در اشعار محلی

(ص ۶۵-۸۷)

ابراهیم ظاهری عبدوند(نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، روح الله کریمی نورالدین‌وند<sup>۲</sup>

: 20.1001.1.2345217.1399.10.1.4.0

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۱۷

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی نشان‌دادن منزلت اجتماعی زنان بختیاری از طریق پوشاک در اشعار محلی؛ یعنی اشعار عاشقانه، اشعار مربوط به عروسی و سوگ‌سروده‌ها، بر مبنای نظری بازتاب و بر اساس روش اسنادی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد زنان در فرهنگ بختیاری به دو شیوه، پوشاک زیبا و پوشاک گران‌قیمت، برای خود منزلت اجتماعی کسب می‌کنند. برای نشان دادن زیبایی بیشتر به عنصر رنگ پوشاک و برای نشان دادن گران‌قیمت بودن، به جنس و تزئینات پوشاک توجه می‌کنند. در اشعار عاشقانه، زن از طریق پوشاک زیبا که بیشتر به رنگ‌های آبی، سبز و قرمز است، برای خود احترام و در نهایت منزلت اجتماعی کسب می‌کند. در اشعار مربوط به عروسی، برای نشان‌دادن منزلت اجتماعی زنان، در کنار زیبایی، عنصر ثروت نیز از طریق اشاره به جنس و تزئینات پوشاک برجسته شده است. در سوگ‌سروده‌ها، سرایندگان بیشتر به دنبال نشان دادن جایگاه اجتماعی زن متوفی و خانواده او هستند؛ بنابراین در توصیف پوشاک وی، به جنس پوشاک، نو و پاکیزه بودن آن که تشخیص زن را نشان می‌دهند، پرداخته‌اند.

کلمات کلیدی: شعر محلی بختیاری، پوشاک زنان، منزلت اجتماعی، زیبایی.

<sup>۱</sup>. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. Email: zaheri\_1388@yahoo.com

<sup>۲</sup>. دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Email: Rohalla\_karimi@yahoo.com

## ۱. مقدمه

با بررسی پوشاک هر منطقه یا قوم، می‌توان به نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی آنان درباره مسائل مختلف دست یافت. «پوشش مردم هر منطقه، یکی از راه‌های شناخت فرهنگ مردم است. پوشاک نه تنها با آب و هوا، وضعیت اقلیم، معیشت و کسب و کار، بلکه با هنجارهای اجتماعی و تحولات تاریخی هر اقلیم مرتبط است. همچنین پوشاک علاوه بر نقشی که در تفکیک جنسیتی دارد، وسیله مرزبندی مراتب اجتماع گوناگون نیز است» (موسوی‌راد و کبیریان، ۱۳۹۷: ۲۲). سیر تحول تاریخی، زیبایی‌شناسی، اعتقادات، پیشرفت صنعت نساجی و پارچه‌بافی، اصالت تاریخی پوشاک، حفظ هویت ملی و فرهنگی، انواع سلیقه‌ها، نوع دوخت، رنگ مدل‌های مختلف لباس و نوع طبقه افراد، از جمله اطلاعاتی هستند که با بررسی پوشاک می‌توان به آن‌ها دست یافت (نک: تمیم‌داری، ۱۳۹۳: ۳۰۳؛ غیبی، ۱۳۸۵: ۶۱۱؛ چیت‌ساز، ۱۳۷۹: ۱). بنابراین می‌توان گفت از کارکردهای پوشاک، نشان دادن نوع طبقه و منزلت اجتماعی افراد است و هنوز هم این عنصر، به صورت نشانه‌ای از نوع موضع طبقاتی یا پایگاه حرفه‌ای پوشندگان باقی مانده است (نک: گیدنز، ۱۳۹۳: ۱۴۴).

در میان اعضای یک جامعه، زنان بیشتر از مردان کوشیده‌اند تا از طریق پوشاک برای خود منزلت اجتماعی کسب کنند یا پایگاه اجتماعی خود و خانواده را نشان دهند. البته آنان در فرهنگ‌های مختلف، برای نشان دادن این منزلت اجتماعی، از شیوه‌های گوناگونی استفاده کرده‌اند که برای بررسی آن‌ها، ادبیات به خصوص ادبیات محلی در جوامعی که مطالعات میدانی انجام نشده یا امکان انجام آن نیست، بهترین منبع است؛ زیرا فرهنگ هر جامعه، در ادبیات محلی آن بازتاب داده شده و در حقیقت این نوع ادبیات، آینه‌ایست که فرهنگ جامعه را بازتاب می‌دهد. به‌ویژه این که خود زنان در آفرینش ادبیات محلی، نقش و جایگاه ویژه‌ای دارند و خواسته‌ها، بایدها و نبایدهای قشر خود را انعکاس می‌دهند؛ چنان‌که در فرهنگ بختیاری، زنان پدیدآورنده بسیاری از این اشعار هستند؛ لایه‌ها را غالباً آنان می‌خوانند، اشعار مربوط به عروسی («از سوی زنان و دختران فامیل، به صورت تک‌خوانی و هم‌خوانی بیان می‌شود. برای این کار، زنی خوش صدا و باحافظه و تا حدی دارای قریحه، برای نظم و پیوند قافیه و موسیقی، ابیات را می‌خواند و زن‌های دیگر، با دست زدن و هم‌نوایی یاریگر او می‌شوند» (قنبری عدوی، ۱۳۹۱: ۷۶). همچنین تا پیش از این، کار سرودن سوگ، مربوط به زنان بوده است. علاوه بر این، در بسیاری از اشعار محلی، به مسائل مختلف زنان توجه می‌شود؛ چنان‌که مضمون اشعار عاشقانه بلال، توصیف زن در جایگاه معشوق است، در اشعار برزیگری، زن چه در جایگاه معشوق و چه در انجام کارهای کشاورزی، نقش برجسته‌ای دارد. در لایه‌ها نیز زنان از مشکلات و دغدغه‌های مختلف خود سخن می‌گویند. در این اشعار، «موقعیت اجتماعی زن، از مشخص‌ترین مضمون‌هایی است که به چشم می‌خورد» (حسین‌پور، ۱۳۹۱: ۳۲۲)؛ بنابراین در بسیاری از این اشعار، زنان و مردان،

بررسی بازتاب منزلت اجتماعی زنان بختیاری... (ص ۶۵-۸۷)-----ابراهیم ظاهری عبدوند و همکار ۶۷

مسائل مختلفی از جمله پوشاک زنان را بازتاب داده‌اند که با بررسی آن‌ها، می‌توان به اطلاعات ارزشمندی دست یافت.

هدف از این پژوهش نیز بررسی بازتاب منزلت اجتماعی زنان بختیاری از طریق پوشاک در اشعار محلی؛ یعنی اشعار عاشقانه، اشعار مربوط به عروسی و سوگ‌سروده‌هاست تا به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود:

الف) برای نشان دادن منزلت اجتماعی زنان بختیاری، کدام پوشاک آنان برجسته شده است؟

ب) کدام ویژگی‌های پوشاک، این منزلت اجتماعی را نشان می‌دهد؟

ج) تأثیر موقعیت‌های مختلف، مانند فضای عاشقانه، سور و سوگ بر این امر چگونه است؟

### ۱-۱. روش پژوهش

برای جمع‌آوری، تعدادی از ابیات با مراجعه به اسناد، جمع‌آوری شد و با توجه به حجم محدود ابیات جمع‌آوری شده در اسناد، تعدادی دیگر از طریق مصاحبه با افراد به دست آمد. در ضمن برای فهم و درک ذهنیت افراد درباره مفهوم بیت و کارکرد پوشاک در آن، بیشتر تکیه بر اشاره‌ها و توضیحاتی است که خود افراد مصاحبه شونده داده‌اند. در تحلیل نیز از روش اسنادی با هدف توصیف و تا حدودی تحلیل و تبیین استفاده شده است.

### ۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون درباره پوشاک زنان بختیاری در آثار مختلفی سخن گفته شده است؛ برای نمونه، می‌توان به کتاب فرهنگ عامه از احمد تمیم‌داری، فولکلور مردم بختیاری از عباس قنبری، دانشنامه قوم بختیاری از سریا داودی حموله، سور و سوگ در فرهنگ عامه لرستان و بختیاری از محمد حنیف، زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی از میترا مهرآبادی، سفرنامه از بیستون تا زردکوه بختیاری از ایزابلا بیسوپ، سفرنامه از خراسان تا بختیاری از د. آلمانی، سفرنامه لایارد از لایارد، زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان از کولیور رایس و مقاله‌های «مطالعه پوشاک سنتی قوم بختیاری و استفاده از مشخصه‌های آن در طراحی لباس‌های ایرانی-اسلامی» از انیسه حاجب و همکاران و «پوشاک بختیاری‌ها و سایر اقوام» از زان پیر دیگر اشاره کرد. در این آثار به بررسی مردم‌نگاری پوشاک پرداخته شده است؛ یعنی این‌که زنان بختیاری چه لباس‌هایی می‌پوشند یا لباس آنان در مراسم مختلف چگونه است؛ اما در هیچ کدام از این آثار، بازتاب پوشاک زنان در ادبیات محلی بختیاری و چگونگی رابطه پوشاک با منزلت اجتماعی بررسی نشده است.

### ۳-۱. مبنای نظری پژوهش

مبنای نظری این پژوهش، نظریه بازتاب است. در رهیافت بازتاب، هنر، آینه جامعه است و «چنین تصور می‌شود که معنا در شیء، شخص، ایده یا رویداد در جهان واقعی وجود دارد و زبان همانند آینه ای عمل می‌کند تا معنای واقعی را همان‌گونه که در جهان وجود دارد، بازتاب دهد» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۴). در این رویکرد، کارکرد زبان، بازتاب معنای صحیح و دقیق از جهان است و اثر ادبی بازتاب یک به یک، جزء به جزء و در یک سخن، عکاسی واقعیت خلاصه می‌شود (نک: تسلیمی، ۱۳۹۵: ۱۶۰). در حقیقت هنرمند، دیدگاه‌ها و ارزش‌های جامعه را همان‌گونه که هست، بازتاب می‌دهد؛ بدین سبب به بررسی میزان انطباق محتوای پیام‌ها با آنچه در واقعیت می‌گذرد، پرداخته می‌شود تا اطلاعاتی درباره جامعه به دست آید. در این پژوهش نیز بر اساس این رهیافت، به بررسی اشعار محلی پرداخته می‌شود.

### ۲. بازتاب پوشاک زنان در اشعار عاشقانه محلی بختیاری

از جمله مسائل مطرح شده در اشعار عاشقانه محلی بختیاری، توصیف پوشاک معشوق است. ارزش جامه، زیور لباس، شمار آن‌ها، کهنه و نو بودن و پاکیزگی، نشانه‌هایی هستند که امتیاز طبقاتی و پایگاه اجتماعی مردم را نشان می‌دهند (نک: کارکن جلال، ۱۳۹۱: ۷۳). در اشعار مورد بررسی، این امر از دو طریق انجام می‌شود: یکی نشان دادن زیبایی پوشاک که رنگ، شکل و نوع طراحی دلالت بر آن دارند و دیگری اشاره به ثروت و تمکن مالی معشوق که جنس و زینت‌آلات پوشاک آن را نشان می‌دهند. این امر بیان‌کننده این است که زنان در فرهنگ بختیاری، از طریق زیبایی و ثروت به دنبال کسب منزلت اجتماعی هستند. زیبایی خود یک سرمایه به حساب می‌آید و زنان می‌توانند از طریق آن، نظر دیگران را جلب، برای خود احترام و در پی آن اعتبار کسب کنند. در حقیقت، «زیبایی به عنوان یکی از مؤلفه های جایگاه اجتماعی، در ارزیابی موقعیت اجتماعی افراد جامعه، مهم قلمداد می‌شود» (کیوان آرا و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۴). همچنین در جامعه معاصر ایران، منزلت جویی، بیشتر از طریق کسب موفقیت‌های مالی، ثروت و هر آنچه آن را باز بنماید، حاصل می‌شود (نک: شالچی، ۱۳۹۲: ۴۱).

### ۱-۲. رنگ و طرح پوشاک معشوق

در اشعار عاشقانه، بیشتر به عناصر دلالت‌کننده بر زیبایی تکیه و برای نشان دادن زیبایی نیز بیشتر به رنگ و طراحی آن توجه شده است. شاید بتوان گفت علت انتخاب زیبایی و رنگ برای نشان دادن منزلت اجتماعی زن در این اشعار، از آن جاست که زن در جایگاه معشوق، ممکن است جزو طبقات مختلف جامعه از جمله فرودست باشد و تمکن مالی نداشته باشد که از طریق آن، بتوان برایش منزلت اجتماعی قائل شد؛ بنابراین باید از عنصری مانند زیبایی و رنگ نام برده شود که در میان همه طبقات

پذیرفتنی است و همه به آن دسترسی دارند. در انتخاب رنگ پوشاک، علاوه بر سلیقه، عوامل اجتماعی دیگری مانند سن، جنس و جایگاه اجتماعی افراد، مؤثر بوده است. «رنگ پوشاک در هماهنگی با جنس، سن، دوره‌های زندگی، موقعیت و منزلت پوشندگان معنا می‌یابد و با زبان رمزی و استعاری، ویژگی‌ها و صفتهایی مانند شرم و حیا، وقار و فروتنی، جاذبه و فریبندگی، بزرگی و حقارت، غرور و فروتنی، جاذبه جنسی، شادابی و سرزندگی، پیری و خمودگی، قدرت و ضعف، جنسیت و وابستگی‌های قومی، گروهی و دینی پوشندگان لباس را نمایان می‌نماید» (اللهی، ۱۳۸۹: ۲۲). انتخاب رنگ پوشاک زنان در فرهنگ بختیاری نیز متأثر از فرهنگ این قوم، جایگاه اجتماعی و سن زنان است. فرهنگ بختیاری ایجاب می‌کند که دختران تا پیش از ازدواج و حتی تا میان‌سالی، در مواقع معمول، رنگ‌های روشن بپوشند که این امر سرزندگی، جاذبه جنسی و شادابی آنان را نشان می‌دهد.

## ۱-۱-۲. رنگ و طرح مینای معشوق

در اشعار زیر برای نشان دادن زیبایی مینای معشوق، رنگ آبی و بنفش آن برجسته شده است:

دُوْنُمُ عَشْقِ حُسه یا سوزِ سازه	دُهدَرِ مینا کُوو چه خو اِیازه
هَموهو یارِ حُمه میناس بَنوشه	سَرِ تُلِ سَبیلِ اِزْنُم، گُلْمُ به هوشه

(شفقی و دادرس: ۱۳۹۶، ۲۶۴)

dohdare maynā kavū čē xū ebāze/ nadūnom ?ešqe xose yā sūze sāze  
sare tol sayl ezanom golom be hawše/ hamoho yāre xome maynās benawše.

برگردان: دختر مینا آبی، چه خوب می‌رقصد. نمی‌دانم به سبب عشق خودش یا تأثیر ساز است // از روی تپه نگاه می‌کنم، معشوق در حیا است. او معشوق من است که رنگ مینایش بنفش است. از نظر نقش‌دار بودن، پوشاک زنان در فرهنگ بختیاری، در طیفی از ساده تا پرنقش قرار می‌گیرد؛ اما آنچه در شعر محلی عاشقانه بازتاب داده شده، لباس دارای نقش اندک است که این امر دلالت بر زیبایی معشوق دارد؛ چنان‌که در شعر زیر دیده می‌شود:

تیه کال مینا دو خال زَیْده و بِنْدَار	تیر بُوگن جا هِل بَگَر چی لَکِ چِنْدَار
---------------------------------------	---

tiye kāl maynā do xāl zayde ve bendār/ tir bokon jāhel beger či lake čendār.

برگردان: چشم سیاه، دارای مینای خال‌دار در حال بالا رفتن از تپه است. از بین جوانان بهترین‌ها را انتخاب کن، آنانی که چون درخت چنار بلند هستند.

## ۲-۱-۲. رنگ کزینَه (دستمال) معشوق

زیبایی کزینَه که نوعی دستمال توری‌مانند است و آن را جلوی سر می‌اندازند، به رنگ بنفش آن است:

ز کویه یاهی گزینت بنوشه؟  
مو یاهم ز سرحد یو فاش کلو سه

ze koye yāhi kazinat benawše/ mo yāhom ze sarhad yo fāše kelawse.

برگردان: از کجا می‌آیی که رنگ کزین‌هات بنفش است. من از منطقه سرحد می‌آیم و این غنچه کرفس است.

### ۲-۱-۳. رنگ پیراهن معشوق

پیراهن‌های معشوق، به رنگ سفید، سبز و قرمز زیبا هستند:

جوّه اسپید، پاکش به پا، وست و نیاسون  
باوآمد، گاس بگش به سر آستون  
(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۳۵)

عزیز مین دلّم جوّه سوز و کوتا  
جاهلون و رو ایگشی، مهمون سرجا  
شو و خو دیدم خیر با خو دوشی  
نازنینم شهر ایگند و سوز ایپوشی

jove espid pākāš be pā vaste vā niyāsūn/ bāvāmad gāse bekoš be sare āstūn// ?azize mine delom jove sawz o kūtā/ jāhelūne ve raw ikoši mehmane sare jā// šaw ve xaw didom xayr bā xave dūši/ nāzaninom sohre ikand vo sawze ipūši.

برگردان: پیراهن سفید، پاکش پوشیده در جلوشان قرار گرفت. بابا احمد (امامزاده) گاو او را در راه صعب العبور بکش // عزیز دل من، معشوق پیراهن سبز و کوتاه است. جوانان را وقتی راه می‌رود با ناز و کرشمه‌اش می‌کشد و مهمانان را سرجا // شب خوابی دیدم، خواب دوشین خیر باشد، نازنینم لباس سرخ را در می‌آورد و لباس سبز رنگ را می‌پوشید.

### ۲-۱-۴. رنگ کلیجه (نیم‌تنه) معشوق

آبی و قرمز، رنگ پسندیده و نشان‌دهنده زیبایی برای کلیجه معشوق، نیم‌تنه آستین‌داری که با وجود داشتن دکمه، یقه آن باز است، هستند:

عزیز مین دلّم کلیجه آوی  
هر چی که سیل ایزنم په گی ایاهی؟  
عزیز مین دلّم کلیجه قرمز  
تو بدو عرووی مو دز رومز

?azize mine delom kolje āvi/ har či ke sayl izanom pa kay iyāhi

?azize mine delom kolje qermez/ to bedave ?aravi mo doze rūmez.

برگردان: عزیز من، معشوق دارای کلیجه آبی، هر چه نگاه می‌کنم، پس کی می‌آیی // عزیز من، معشوق دارای کلیجه قرمز. تو اسب عرب هستی و من دزد رامهرمز.

## ۲-۱-۵. رنگ کفش معشوق

کفش‌های معشوق وقتی به رنگ قرمز هستند، جذابیت بسیار دارند:

این شیمبار<sup>۳</sup> هسی ایگنن بار رختا دارایی، گوشا شهر بلغار  
enen šimbār hay ikonon bār/ raxtā dārāi kawšā sohre bolqār.

برگردان: در منطقه شرین بهار هستند و در حال کوچ. لباس‌هایشان دارایی (بزرگ‌منشانه و اصل و نسب‌دار) و کفش‌هایشان به رنگ قرمز و جنس بلغار است.

## ۲-۱-۶. رنگ پیچک پای معشوق

حلقه یا پیچک پاهای معشوق وقتی به رنگ زرد است، دلربایی دارند:

ور کشید سولاره، جست زی برد ور و برد تک اسپید و خال سوز و خلگن زرد  
vor kašid šawlāre jest zay bard vor o bard/ teke espido xāle sawz o halkane zard.

برگردان: شلوار را بالا زد و از این سنگ بر آن سنگ پرید. ساق پا سفید، خال سبز و حلقه زرد به پایش بود.

گفتنی است رنگ‌های پوشاک همچنین بر حالات روحی و روانی زنان در جایگاه معشوق نیز دلالت دارند. رنگ‌های آبی، سبز، قرمز و زرد، مهم‌ترین رنگ‌های هستند که در توصیف پوشاک معشوق در اشعار عاشقانه به آن اشاره شده است. از نظر روان‌شناختی، این رنگ‌ها که چهار رنگ اصلی‌اند، «نشانگر نیازهای روانی-نیاز به عشق و محبت، نیاز به ابراز وجود، نیاز به عمل و موفقیت و نیاز به امید و آینده و دستیابی به آرزوها- هستند» (لوش، ۱۳۹۳: ۴۲). این که زنان بختیاری برای پوشاک خود این رنگ‌ها را بیشتر انتخاب می‌کنند، نشان‌دهنده نیاز آنان به عشق و محبت نیز است و آن‌ها، دلالت بر جنب و جوش، سرزندگی، حس غرور، همبستگی، ایجاد روحیه شاد و سرخوشی دارند.

## ۲-۲. تزئینات و جنس پوشاک معشوق

در اشعار عاشقانه، برای نشان دادن منزلت زن در جایگاه معشوق، به تزئینات پوشاک نیز توجه شده است. تزئینات «می‌توانند نماینده بی‌واسطه از تعیین جایگاه اجتماعی افراد باشد. کیفیت‌های گوناگون تزئینات می‌تواند این طبقه‌بندی را در سطوح مختلف به نمایش درآورد» (انصاری یکتا و احمدی پیام، ۱۳۹۳: ۵۵۰). علاوه بر تزئینات، جنس و شیوه لباس پوشیدن معشوق نیز در این زمینه بسیار مؤثر بوده است. جنس پارچه، در فرهنگ بختیاری برای افراد اعتبار می‌آورد و در دوره‌های مختلف، جنس مخمل برای پوشش‌های گوناگون، به عنوان مد مطرح بوده است.

۲-۱. جنس و تزئینات سرپوش‌های معشوق (لچک، کیش و گیس‌بند)

در ابیات زیر، برای توصیف لچک معشوق، تکه‌ای پارچهٔ مخمل که جلوی آن منجوق‌دوزی شده است، آن را شبیه به کلاه بر سر می‌گذارند و با بندی که به آن وصل است، به زیر چانه گره می‌زنند، به الماس‌نما بودن، شیوهٔ دوختن الماس‌ها به صورت ملبله و زیگزاگی و حاشیه‌های دوزی با ریال اشاره شده است:

تو پَهلات سی چُنوننِ مثالِ یالین      لَچکَتِ الماسِ نما گِرِرِزِ ریالین  
مُنْجُقاتِ مَلبله دوز تا پُرِ گوشت      هرچی که فرگِ ایگنمِ بووت نیفروشت

to pahlāt si čononen mesāle yālen/ lačaket olmāsнемā gerze riyālen  
monjoqāt malile dūz tā pore gūšet/ har či ke ferg ikonon bavūt niforūšet.

برگردان: موهای بافته‌ات مانند یال اسب هستند. لچک تو، الماس‌نما و حاشیه‌اش ریال است. // منجوق‌های لچک‌ت به شکل زیگزاگی دوخته شده و بر گوش‌هایت آویزان شده است. هر چه فکر می‌کنم پدرت، تو را نمی‌فروشد.

استفاده از منجوق‌های براق، برای زیبایی است؛ اما به کاربردن سکه در لباس زنان بختیاری، گذشته از زیبایی، کارکردهای دیگری مانند نماد ثروت نیز داشته است. افراد طبقهٔ بالای جامعه، برای نشان دادن منزلت اجتماعی خود، از ریال‌های نقره استفاده می‌کردند؛ اما طبقهٔ پایین با استفاده کردن از ریال‌های مصنوعی، تظاهر به داشتن ثروت می‌نمودند. همچنین «سکه‌ها دارایی زن به شمار می‌رفتند و دخترانی که ازدواج می‌کردند، در واقع سهم خود از دارایی خانواده را در قالب این زیورآلات دریافت می‌کردند» (بابایی و اکبری، ۱۳۹۶: ۷۹). علاوه بر این در فرهنگ بختیاری، برای درمان برخی از بیماری‌ها مانند ترس، از سکه به‌خصوص سکهٔ طلا-آب طلا خوراندن- استفاده می‌شود که می‌توان گفت استفاده از سکه و ریال، می‌تواند دلالت بر این امر نیز داشته باشد.

کیش لاکیش-نوعی دستمال که بر پیشانی، قسمت فوقانی و پشت سر بسته و معمولاً بر حاشیه‌های پشت سر، گوی آویزان می‌شد- کارکردهای متفاوتی داشته است؛ از جمله کارکردهای آن ادای ناز و کرشمه بوده است. بدین صورت که با حرکت سر، حاشیه‌های رها بر پشت سر، از سر شانه به سر شانهٔ دیگر می‌افتاد و بدین طریق نظر دیگران به شخص جلب می‌شد:

مو دیدم تپله زنی لا سوز زرده      کیش لاکیش و سَرسِ دسمالا وِ گرده

mo didom tile zani lā sawze zarde/ kiše lākši ve sares dasmālā ve garde.

برگردان: من زن جوانی را در منطقهٔ دره سبز زردکوه دیدم. کیش لاکیش بر سر بسته و دستمال‌هایش را به دور گردن تاب داده بود.



بررسی بازتاب منزلت اجتماعی زنان بختیاری... (ص ۶۵-۸۷)-----ابراهیم ظاهری عبدوند و همکار ۷۳

زنان بختیاری، از تزئینات مختلفی برای زیبا یا بویا کردن موی و گردن خود استفاده می‌کردند. برای مثال برخی مهره‌های عنبر را به گردن می‌آویختند. عنبر، ماده خوشبویی بود که از ترکیب حل، حنا، میخک و صابون مشک، ساخته می‌شد. شیوه ساختش نیز بدین صورت بود که مواد گفته شده را آسیاب می‌کردند و سپس آن‌ها را به شکل خمیر در می‌آوردند. از خمیر به دست آمده، مهره‌هایی می‌ساختند که آن‌ها را در گردن می‌آویختند. در بیت زیر معشوق، از باد شمال، می‌خواهد به زیر مینای معشوق برود و خبری-بوی خوش- از عنبر آویخته شده بر گردن معشوق برایش بیاورد:

آی شمالِ بادِ آی، رُوِ زیرِ میناس  
خَـوَری سِی مو بیارِ زِ عَمَبِرِ ناس  
ay šomāle bāday raw de zire maynās/ xavari si mo biyār ze ?ambare nās.

برگردان: ای باد شمال به زیر مینای معشوق برو و خبری از عنبر آویخته در گردنش برابم بیاور. اعتقادات، باورها و آداب و رسوم نیز در انتخاب نوع تزئینات پوشاک زن مؤثر بوده است؛ چنان‌که زنان بر گردن خود دعا و چله‌بر- بر چند نخ تاییده به هم، پنج قل را می‌خواندند که به آن چله‌بر می‌گفتند-، آویزان می‌کردند:

صد دعا صد چله‌برِ نا گُلِ دیاره  
صد دعا سیسِ کِردومه فاده ندره  
sad do?ā sad čelebor nā gol diyāre/ sad do?ā sis kerdome fāde nedāre.

برگردان: دعا و چله‌برهای فراوانی در گردن معشوق دیده می‌شود. من نیز دعاهای فراوان برای به دست آوردن او کردم که بی‌فایده بودند.

و برای دفع بلا، موی گرگ و نمک نر به عنوان نظر بند (ماجین) به کمر می‌بستند:

چه چتی، وا میلِ گرگ، وا نِمکِ نَر  
هَمَنِه ماجین بَگُنِ سی کَدِ دُهدَر  
če čati vā mele gorg vā nemeke nar/ hamane mājin bokon si kade dohdar.

برگردان: تکه‌ای از سیاه‌چادر، موی گرگ با نمک، همه را به هم ببندید و تعویذی برای جلوگیری از چشم زخم دختر بسازید.

## ۲-۲-۲. جنس، طراحی و تزئینات پیراهن معشوق

درباره پوشاک زنان بختیاری، گفته شده است: «به غیر از کیفیت بافت‌ها و ارزش زینت‌آلات (مثلاً مهره‌های شیشه‌ای و سکه‌ها)، به ندرت تفاوتی بین طبقات اجتماعی وجود دارد» (دیگار، ۱۳۸۳: ۳۵۸). البته باید گفت جنس پوشاک نیز نقش مهمی در این امر دارد. برای جنس پیراهن، ابریشمی (خصب: قصب) یا کتان پذیرفتنی است که جنس قصب، دلالت بر جایگاه فرادست معشوق دارد:

سایه وُر سه چی خَشه: رَز و بید و گردو  
جاهل وُر شمشیر، دُهدرِ خَـصَوِ نو  
دُهدرِ جُوه کتون چَطُورِ اِشونه  
نَدوُنمِ عشقِ خُسه یا هَم‌چُنونه

(شفقی و دادرس: ۱۳۹۶: ۲۶۹ و ۲۶۴)

sāye vor se či xaše: raz o bid o gerdū/ jāhel vor šomšir dohdar xasave nū  
dohdare jove katūn četawr ešūne/ nadūnom ?ešqe xose yā hamčonūne.

برگردان: سایه سه چیز دل‌نشین است: درخت انگور، بید و گردو. جوان به شمشیر و دختر به داشتن لباس از جنس قصب. // دختر پیراهن کتونی چه خوب می‌رقصد. نمی‌دانم از عشق یا عادتش این-گونه است.

از نظر اندازه، پیراهن می‌توانست کوتاه باشد که این امر، دلالت بر امروزی بودن پوشنده آن و جایگاه فرادستش دارد:

عَزِيزِ مِينِ دَلْمِ جُوهِ سَوَزِ وَ كُوتَا      جَاهِلُونِ رَوِ اِيْگُشِي، مِهْمُونِ سَرِجَا

?azize mine delom jove sawz o kūtā/ jāhelūne ve raw ikoši mehmūne sare jā.

برگردان: عزیز دل من، پیراهن سبز کوتاه. جوانان را با ناز کردن در راه رفتن می‌کشی، مهمان‌ها را بر سر جا.

همچنین بر حاشیه پیراهن زنان ریال دوخته می‌شد که سنتی بودن شخصیت پوشنده را نیز نشان می‌دهد:

رِيَالَاتِ مَوْجِ اِيْخُورِنِ سَرِ كَشِكِ زُونِيْتِ      مَوْ هَرِ چِي دَرِ اِيْخُورُمِ وَ سِي جَوُونِيْتِ

riyālāt mawj ixoren sare kaške zūnit/ mo har či der ixorom ve si javūnit.

برگردان: ریال‌های آویخته بر حاشیه پیراهنت، روی زانویت ریخته شده‌اند. من هر چه می‌آیم و می‌روم، برای جوانی توست.

## ۲-۳. جنس، تعداد و تزئینات شلوار معشوق

زنان بختیاری، برای پاپوش، معمولاً از چند نوع شلوار استفاده می‌کردند. پاکش، نوعی شلوار بود که مانند شلوارهای معمولی آن را به پا می‌کردند؛ اما خشک نداشت و از زانو به بالا فقط از بیرون ران، پاها را می‌پوشاند که این امر به سبب ضرورت زندگی کوچ‌نشینی و سوارکاری بوده است. در اشعار عاشقانه، به جنس این شلوار، مخمل گران قیمت، اشاره شده است:

تِيه كَالِ وَ رِه مَرُوه حَاكَلُونِ      پَاكشَاتِ گَرْتِ اِيْگَرِه مَخْمَلِ گَرُونِ

tiye kāl ve rah maraw rah hākelūne/ pākešāte gart igere maxmal gerūne.

برگردان: چشم سیاه، راه مرو که راه خاک‌آلود است. بر پاکش‌هایت غبار می‌نشیند و مخمل نیز گران است.

اشاره به جنس پاکش، بیان‌کننده موقعیت اقتصادی معشوق است؛ ولی در توصیف دیگر شلوارهای وی مانند شلوار قری، دوباره صفت زیبایی معشوق برجسته شده است. زنان بختیاری، روی پاکش،

بررسی بازتاب منزلت اجتماعی زنان بختیاری... (ص ۶۵-۸۷)-----ابراهیم ظاهری عبدوند و همکار ۷۵

شلواری گشاد، به نام قری یا تتبان می پوشیدند. در اشعار عاشقانه، بیچ و تاب خوردن شلوار قری، دلالت بر زیبایی دارد و عاملی است برای دلربایی از عاشق:

شولارِت چی آسیو هی ایخورن در / همه کسِ مو تونی گد شُل تی پر  
(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۳۵)

šawlārāt čî āsiyaw hay ixoren der/ hame kase mo toni kad šole ti per.

برگردان: شلوارهایت مانند سنگ آسیاب تاب می خورند. عشق من تو هستی، ای که دارای کمر باریک و چشم بزرگ هستی.

همچنین برخی شلوار قری‌ها (از جنس کودری) معمولاً نازک بودند که از پشت دچار چین خوردگی می شدند و این امر، نظر عاشق را به خود جلب می کرد و بدین طریق، معشوق در نزد عاشق، جایگاه خاصی می یافت:

کودریت ز نازکی کِر وَنِدِه وا پُشت / تیه کال ز دَرِد دل اَمسال مونه کُشت

kūdarit ze nāzoki ker vande vā pošt/ tiye kāl ze darde del amsāl mone košt.

برگردان: شلوار از جنس کودری تو، به سبب ظرافت، از پشت چین برداشته است. چشم‌سیاه، از عشق، امسال مرا کُشت.

در برخی از ابیات، از زنان خواسته می شود که زیبایی پوشاک خود را به نمایش بگذارند تا دیگران آنان را دوست داشته باشند؛ چنان که در شعر زیر گفته شده است هنگام سواری، زیبایی شلوار معشوق جلوه‌ای ندارد؛ بنابراین عاشق از وی می خواهد پیاده شود و راه رود تا دیگران نیز زیبایی شلوار وی را ببینند. بدین ترتیب زنان به نمایان‌سازی زیبایی و جذابیت‌های زنانه تشویق می شوند:

شولارات چار تا پنچ تا به پیت زینن / تو دَرَو و رَه بَرَو مردم بَوینن

šawlārāt čār tā panj tā be pite zinen/ to deraw ve rah beraw mardom bevinen.

برگردان: شلوارهای تو چهارتا پنج تا، روی زین گذاشته شده‌اند. تو پیاده شو، راه برو تا مردم ببینند. از نظر ویلن، «در لباس زنان باید چنان قید و بندهای دست و پاگیر وجود داشته باشد که مشاهده کننده، این واقعیت را لمس کند که پوشنده آن، لباس نه می خواهد و نه می تواند به طور عادی به کار مفید بپردازد. آداب اجتماعی ایجاب می کند که زنان محترم از تلاش‌های سودآور پرهیز و بیش از مردان طبقه خویش، به تن‌آسایی تظاهر کنند» (۱۳۸۶: ۲۰۱). نوع پوشش زن در این ابیات، گویای این امر است. تعداد زیاد شلوار داشتن، نشان‌دهنده این است که وی اهل کار کردن نیست و از این طریق، تظاهر به تن‌آسایی می کند.

علاوه بر این که زنان چهار پنج شلوار می پوشیدند، به حاشیه آن‌ها پارچه مخمل می دوختند که این امر، بر زیبایی لباس آنان می افزود:

شولارات چار تا پنج تا وات نیخورن در / حاشیه سون مخمل بینه که بُورن دل  
 šawlārāt čār tā panj tā vāt nixoren der/ hāšiyasūn maxmal bene ke boveren del.

برگردان: شلوارهای چار تا پنج تا هستند که با تو تاب نمی‌خورند. بر حاشیه آن‌ها مخمل بدوز تا دلربایی بکنند.

#### ۲-۴. جنس کفش معشوق

در فرهنگ بختیاری، کفش زنان نیز عامل مهمی برای نشان دادن تبختر و موقعیت اجتماعی آنان بوده است. گفته شده است کفش لر و بختیاری، ساغری، گیوه، گورابی و ارسی است (نک: یاسینی، ۱۳۹۶: ۱۹۹)؛ اما آنچه در اشعار عاشقانه بازتاب داده شده، کفش‌های از نظر جنس، از پوست (بلغار) است که ته آن برجستگی (نال) دارد. البته راه رفتن با کفش هم به دو گونه پذیرفتنی است: یکی بسیار تند راه رفتن است؛ به گونه‌ای که معشوق پا بر زمین نمی‌گذارد-دلالیت بر ناز کردن- و دیگری راه رفتن بسیار آهسته است؛ گویی که پایش از روی زمین بلند نمی‌شود-دلالیت بر منزلت اجتماعی بالای معشوق-:

پُرس کُنین زِ خاصد شو گیوه بیدی	منزل آهی گدون گیوه دیدی؟
این شیمبار هی ایگنن بار	رختا دارایی، گوشا سهر بلغار
بیست چار آستو، بیست چار آواره	نال گوش دلبرم و گل نیدراه
بیست چار آستو، بیست چار وریشه	نال گوش دلبرم ز گل نی وریشه

pors konin ze xāsed šaw koye bidi/ manzele āhi kadūne koye didi?  
 enen šimbār hay ikonon bār/ raxtā dārāi kawšā sohre bolqār  
 biste čār āstū biste čār avāre/ nāle kawše delbarom ve gel niderāhe  
 biste čār āstū biste čār veriste/ nāle kawše delbarom ze gel niveriste.

برگردان: از پیام‌رسان، پرسید امشب کجا بودی؟ منزلگاه آهو کمران را کجا دیدی // منطقه شری‌بهار هستند و در حال کوچ. لباس‌هایشان دارایی (بزرگ‌منشانه و اصل و نسب‌دار) و کفش‌هایشان سرخ بلغاری. // گذرگاه بیست و چهار آستان، بیست و چهار متر است. نعل کفش معشوقه‌ام به زمین گذاشته نمی‌شود. // بیست و چهار آستان، بیست و چهار متر است. نعل کفش معشوقه‌ام از روی زمین بلند نمی‌شود.

در مجموع باید گفت در اشعار عاشقانه، از طریق پوشاک برای زن، منزلت اجتماعی ایجاد یا جایگاه آنان نشان داده شده است؛ البته زنان بختیاری در این زمینه، هم متأثر از فرهنگ قومی و اسلامی هستند و هم تا حدودی از فرهنگ غربی تأثیر پذیرفته‌اند. در گفتمان اسلامی، در زمینه پوشاک دال مرکزی، عفت است (نک: زاهد و کاوه، ۱۳۹۱: ۷۱). حفظ پوشش‌های سنتی از سوی زنان، بخصوص زنان عشایر و رعایت عفت و حجاب، نشان می‌دهد که زنان بختیاری هنوز نگرش‌های

بررسی بازتاب منزلت اجتماعی زنان بختیاری... (ص ۶۵-۸۷)-----ابراهیم ظاهری عبدوند و همکار ۷۷

مذهبی و قومیتی خود را حفظ کرده‌اند؛ با وجود این، میل به مصرف‌گرایی و نشان دادن جذابیت‌های زنانه از طریق پوشاک مانند کوتاه شدن لباس، نشان‌دهنده تأثیر فرهنگ لیبرالیستی در این زمینه است.

## ۲-۳. پوشاک زنان در اشعار عروسی

در فرهنگ بختیاری برای مجالس عروسی، آیین‌ها و جشن‌های مختلفی مانند بلکه‌بندون (belkebandūn) قنداشکنون (qandeškanūn)، دست‌بوسون (dastbūsūn)، اوزی (ūzi) و سرانداز (sarandaz) برگزار می‌شود (نک: حنیف، ۱۳۸۶: ۴۷). در اکثر این مجالس، اشعاری به نام دوالالی یا آهای گل خوانده می‌شود که از جمله مضامین رایج در این اشعار، اشاره به پوشاک زنان است. در اشعار مربوط به عروسی، انتخاب پوشاک زنان، بیشتر متأثر از آداب و رسوم قومی است و زنان مطابق رسوم موجود، از پوشش‌های خاصی از نظر رنگ، تزیینات یا شکل دوخت استفاده می‌کنند. در این اشعار، برخلاف اشعار عاشقانه که جنبه زیبایی پوشاک بیشتر مطرح بود، پوشاک، هم بر زیبایی و هم بر تمکن مالی و ثروت زنان دلالت دارد؛ بدین سبب در کنار بیان رنگ پوشاک و نوع طراحی آن، در اکثر موارد، به تزیینات و جنس پوشاک مانند مخمل، طلا و نقره نیز اشاره می‌شود.

### ۲-۳-۱. رنگ و تزیینات سرپوش‌های زنان (مینا، دستمال و گیس‌بند) در اشعار عروسی

سرپوش‌های زنان در عروسی، همان پوشش‌هایی هستند که در دیگر مواقع می‌پوشند؛ اما تزیینات آن‌ها تغییر می‌کند. در اشعار مورد بررسی، از نظر رنگ و تزیینات، رنگ مینا سرخ است:

قالی گَپِه آقا دوماد مینا سُهری و سَرس مینا سُهر تیاخُماری او داده و شوهرس

qālī gape āqā dūmā maynā sohri ve sares/ maynā sohre tiyā xomāri aw dāde ve šawhares.

برگردان: روی قالی بزرگ آقا دوماد، مینا سرخی است. مینا سرخ چشم خماری آب به شوهرش داده است.

زنان شرکت‌کننده در عروسی، از دستمال توری سبز استفاده می‌کنند:

مال زیر تا مالِ بالا تور سوزی بر سرم رف رفِ بارونِ باهار زینه گووم ایبرم

māle zir tā māle bālā tūre sawzi bar sarom/ ref refe bārūne bāhār zine gavūm ibarom.

برگردان: از خانه‌های پایینی تا خانه‌های بالایی، تور سبزی بر سر کردم. هنگام نم باران بهار، زن برادرم را می‌برم.

مادر عروس و خویشان، موهای خود را با گیس‌بند - بافتنی‌ای منگوله‌دار و رنگارنگ بود که موهای پشت سر را با آن می‌بستند و منگوله‌ها را در کمرشان رها می‌کردند - یا نخ‌ی به رنگ‌های مختلف مانند سرخ می‌بستند:

گیس‌بند آورش‌می عاجزوم ز چیدنِس با حضور آ... خوم رُوم و دیدنِس  
 داکِ دهدر داکِ دهدر تالِ سُهر بستی پِلِت تو چه کردی سی خدا .... وی سی دهدرت

gisbande awrešomi ?ājezom ze čidanes/ bā hozūre ā... xom revom ve didanes  
 dāke dohdar dāke dohdar tāle sohr basti palet/ to če kerdi si xodā ... vay si dohdaret.

برگردان: از بستن گیس‌بند ابریشمی ناتوان هستم. با حضور آ... می‌خواهم برای دیدنش بروم. //  
 مادر دختر، مادر دختر، تار قرمزی به موهایش بسته است. تو برای خدا چه کاری کردی که ... به خواستگاری دخترت آمده است.

در عروسی از ابزار تزئینی مختلفی استفاده می‌شود. گردری (دور صورت) که تشکیل شده است از تعداد بسیار زیادی سکه از جنس نقره یا طلا که آن را در پشت سر، دور سر و زیر چانه با سوزن‌های مخصوص قرار می‌دهند، از جملهٔ این تزئینات است. این ابزار تزئینی مخصوص زنان ثروتمند است و معمولاً برای اشاره به منزلت اجتماعی یا تظاهر به داشتن چنین جایگاهی، آن را از ابزار و زینت‌آلات عروس نام می‌برند:

خانم عروس بی‌بی‌یل بنگت کنن سر تخت شاه سلیمون گردریت وا کنن  
 (شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۹۲)

xānom ?arūse bibiyal banget konen/ sare taxte šāh solaymūn gerderit vā konen.

برگردان: خانم عروس، زنان بزرگ، تو را صدا می‌کنند و در منطقهٔ تخت شاه سلیمان، گردری تو را باز می‌کنن.

برای زیباتر کردن عروس و خوشبویی، در قسمت پیشانی گردری، بین ریال‌ها، عنبر اضافه می‌کردند:

مِن چَکِ خانم عروس یه ریال دو عمبره ای خومی که ایما کردیم یو خومی بیغمبره

mene čake xānom ?arūs ya riyał do ?ambare/ i xomi ke imā kerdim yo xomi payqambare.

برگردان: در موهای فرق سر خانم عروس یک ریال و دو عنبر است. این ازدواجی که ما کردیم، به رسم پیامبر است.

زنان بختیاری، مهره‌هایی را به بند بلندی می‌کنند که به آن بندسوزن می‌گویند. آنان در مجالس شادی مانند عروسی، بند سوزن را از پشت به لچک وصل و روی مینا رها می‌کنند که معمولاً تا کمر آنان می‌رسد:

بند سیزنم یه هزاروبند گیس دونه دُره دادومس و زنِ گووم او هنی پوزس پُره

بررسی بازتاب منزلت اجتماعی زنان بختیاری... (ص ۶۵-۸۷)-----ابراهیم ظاهری عبدوند و همکار ۷۹

band sizanom ya hezāro band gapas done dore/ dādomes ve zan gavūm o hani pūzes pore.

برگردان: بند سوزن من هزار ریال دارد و بند بزرگش دانه مروارید است. آن را به زن برادرم دادم و هنوز او ناراضی است.

همچنین معمولاً زنان بختیاری از گوی در خانه یا مجالس عروسی استفاده می‌کردند. گوی، زنگوله ماندنی بود که در بالای آن سوراخی قرار داشت که زنان، حاشیۀ روسری خود را از سوراخ آن می‌گذراندند و در داخل آن گره می‌زدند. سپس آن‌ها را-معمولاً از دو گوی استفاده می‌کردند- در پشت کمر خود رها می‌کردند. در ایات زیر اشاره می‌شود که برای عروس، گوی‌های قیمتی و از جنس طلا به عنوان هدیه خرید شده است:

مالموو بار کرد مالموو بار کرد ره وَندِه کِفَتِ چَری<sup>۴</sup>      سی دووا سه تیر خریدم سی بهیگ گوی زری  
مالموو بار کرد مالموو بار کرد ره وَندِه دولِ دِلا<sup>۵</sup>      سی دووا سه تیر خریدم سی بهیگ گوی طلا

mālemū bār kerd mālemū bār kerd rah vande kefte čari/ si dovā setir xaridom si behig gūye zari  
mālemū bār kerd mālemū bār kerd rah vande dūle delā/ si dovā setir xaridom si behig gūye telā.

برگردان: خانواده ما کوچ و به بالای کوه چری اتراق کرد. برای داماد تفنگ سه تیر خریدم و برای عروس، گوی از جنس زر. / خانواده ما کوچ و در تنگۀ کوه دلا منزل کرد. برای داماد سه تیر خریدم و برای عروس گوی طلا.

## ۲-۳-۲. رنگ و تزیینات تن‌پوش‌های زنان (پیراهن و نیم‌تنه) در اشعار عروسی

پیراهن‌های زنان در مجالس عروسی، رنگارنگ و از جنس متفاوت که در اشعار محلی، به رنگ سبز و جنس کتان آن‌ها اشاره شده است:

اَویدیم که زَن بَریم، جُوه مون سوز و کتون      زَن بَدین مون، نَه مَبارین، اَلص ایما بالآ خُتون

(شفقی و دادرس: ۱۳۹۶، ۲۷۶)

ovaydim ke zan barim jovemūn sawz o katūn/ zan bedinmūn na mayārin alse imā bālā xotūn.

برگردان: آمده‌ایم که عروس بپریم. پیراهن‌مان سبز و از جنس کتان است. زن به ما بدهید نه نگویید؛ زیرا اصل و ریشۀ ما بهتر از شماست.

کلیچه در این اشعار بسامد فراوانی دارد که این امر نشان‌دهندۀ این‌که این نیم‌تنه در بین زنان بختیاری ارزش خاصی داشته است. رنگ کلیچه‌ها-متعلق به عروس و خواهر عروس- متفاوت، آبی، زمینه سیاه و زردرنگ بوده است:

خوم ددویم خوم ددویم خوم ددو هفتا گوو      ز خوراسو سیم بیارین گلیجه زمین گوو  
 خوم ددویم خوم ددویم خوم ددو هفت تاته زا      ز خوراسو سیم بیارین گلیجه زمین سیا  
 سیت خریدم، سیت خریدم، گلیجه مثال تَش      چی طلا برچ ازنه، در بعل گیوه کش  
 xom dadūyom xom dadūyom xom dadū haftā gavū/ ze xorāsū sim biyārin kolje  
 zamine kavū  
 xom dadūyom xom dadūyom xom dadū haft tātezā/ ze xorāsū sim biyārin kolje  
 zamine siyā  
 sit xaridom sit xaridom, kolje mesāle taš/ či telā berč ezane dar baqale givekaš.

برگردان: خودم خواهر هستم، خودم خواهر هستم، خواهر هفت برادر، از خراسان برایم کلیجه زمينه آبی  
 بیاورید. // خودم خواهر هستم، خودم خواهر هستم، خواهر هفت عموزاده. از خراسان برایم کلیجه  
 زمينه سیا بیاورید. // برای خریدم، برای خریدم، کلیجه مانند آتش. مانند طلا براق است در  
 آغوش گیوه‌کش (نوکر).

برای این‌که نشان داده شود، عروس در خانواده‌اش جایگاه بالایی دارد، اشاره می‌شود که دیگران، چه  
 هدیه‌های گرانبهایی برای وی تهیه کرده‌اند؛ هر چند در واقعیت و عمل چنین نباشد؛ چنان‌که در بیت  
 زیر اشاره می‌شود برادر داماد برای زن برادرش، دستبند از جنس مروارید و طلا ساخته است:

اشنیدم آکر معلی زرگر شاهی نشوند      سر دست زینه گگوس در مرواری نشوند  
 (وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۵۹)

ašnidom ā karam?ali zargare šāhi nešond/ sar daste zine gagūs doro morvāri nešond.  
 برگردان: شنیدم آکر معلی زرگر شاهی را نشانند و برای تزئین سر دست زن برادرش مروارید ساخت.

### ۳-۳-۲. جنس و نوع پاپوش‌های زنان (شلوار و کفش) در اشعار عروسی

جنس شلوار مادر عروس، از مخمل است:

دایه دایه دایه دایه مَر نویدی هوش گوش      عروسی کُرتِ وکاره مخمل راهراه بیوش  
 dāye dāye dāye dāye mar navaydi hūše gūš/ ?arūsi kort ve kāre maxmale rāhrāh  
 bepūš.

برگردان: مادر مادر مادر مادر! مگر خبردار نشدی. عروسی سپرت شروع شده است، پیراهن مخمل  
 راهراه بیوش.

دامن مادر عروس از نظر ظریف بودن، مانند پوست پیاز است:

داک عروس داک عروس دامنت پَر پیاز      ما که بردیم دُهدرِت تو بگن نرد و نیاز  
 dāke ?arūs dāke ?arūs dāmanet pare piyāz/ mā ke bordim dohdarete to bokon narzo  
 niyāz.



بررسی بازتاب منزلت اجتماعی زنان بختیاری... (ص ۶۵-۸۷)-----ابراهیم ظاهری عبدوند و همکار ۸۱

برگردان: مادر عروس! مادر عروس! دامنت مانند پر پیاز نازک است. ما دخترت را بردیم تو نذر و نیاز کن.

و کفش مادر عروس، از نوع چکمه می‌باشد:

دایه دایه، دایه دایه مَر نویدی وا خووَر عروسی کُرت و کاره پا و چکمه دِ و دَر

dāye dāye dāye dāye mar navaydi vā xavar / ?arūsi kort ve kāre pā ve čakme de ve dar.

برگردان: مادر مادر! مادر مادر! مگر خبردار نشدی. عروسی پسرت شروع شده است، چکمه بپوش و بیرون بیا.

در مجموع باید گفت سازمان اجتماعی قوم بختیاری مبتنی بر تقسیماتی مانند خانواده، اولاد، تش، تیره و طایفه است. هر کدام از این شاخه‌ها در ارتباط درون گروهی یا ارتباط با دیگر طوایف، می‌کوشند به گونه‌ای برتری خود را نشان دهند. از جمله جاهایی که می‌توان این حس خودبرتری را نشان داد، مجالس عروسی به ویژه عروسی برون گروهی است. خانواده عروس از برتری عروس و خانواده داماد از برتری وی سخن می‌گویند که از جمله راه‌های نشان دادن این برتری، اشاره به نوع پوشاک است. در حقیقت حتی اگر زنان جزو طبقه بالای جامعه نباشند، از طریق توصیف پوشاک گرانبها و زیبا، تظاهر به این امر می‌کنند. اشاره به پوشاک نو، رنگارنگ و گران‌قیمت در اشعار مربوط به عروسی نیز نه تنها دلالت بر شادی دارد؛ بلکه نشان‌دهنده این امر نیز است. در واقع زنان با نوع پوشاک‌های خود، بر آن هستند تا منزلت و جایگاه اجتماعی خود و خانواده خود را به دیگران بنمایانند.

## ۲-۴. پوشاک زنان در سوگ سروده‌ها

اشعار سوگ، شامل تمام اشعاری است که مردم در مراسم‌های مختلف برای درگذشت افراد می‌خوانند. «این اشعار، میان اقوام و اقلیم‌ها، متنوع است. سوگ سروده‌های قومی، آیین‌های خاصی دارد و شفاهی است و گاه بداهه اجرا می‌شود. مضمون این اشعار، در بیان تألم درونی، بی‌وفایی دنیا، غم تنهایی، ذکر خوبی‌های متوفی و آرزوی مرگ است» (ذوالفقاری، ۱۳۹۶: ۳۴۹). همچنین در این اشعار، به پوشاک زنان اشاره شده است. در مراسم سوگ، در فرهنگ بختیاری، زنان به عنوان شرکت‌کننده به شکل خاصی لباس می‌پوشند که در اشعار سوگ به این امر کمتر اشاره شده؛ بلکه پوشاک خود زن متوفی برجسته شده است؛ این که نوع و جنس پوشاک وی چه بوده یا از چه تزئیناتی استفاده می‌کرده است تا جایگاه اجتماعی وی نموده شود.

۲-۴-۱. جنس و تزیینات سرپوش‌های زن متوفی (کیش و دستمال) در سوگ‌سروده‌ها

در ابیات زیر، صفت‌های به کار رفته برای کیش و دستمال زن متوفی مانند نقره نشان بودن، نشان-دهنده این است که وی جایگاه اجتماعی بالایی داشته است:

ای کُنار سوزِ کُنار، گِر خَرده کیشِس	نَه گگوت، وَزَنه سُوَار وَرگشت و پیشِس
خاژم و اُبُر زنی دَرگشت وَر او لا	کیشِ لاکیش و سَرِس، دَسْمالِ مُشوا
خاژم و اُبُر زنی دَرگشت وَر او ریز	کیشِ لاکیش و سَرِس، دَسْمالِ سیم ریز

(شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۸۲)

i konār sawze konār ger xarde kišes/ na gagūt vazne sovār vargašte ve pišes  
xārom vā bore zani vor gašte vor ū lā/ kiše lākiš ve sares dasmāle mošavā  
xārom vā bore zani dargašte vor aw riz/ kiše lākši ve sares dasmāle simriz.

برگردان: این درخت سدر سبز به کیشش گیر کرده است. برادرت سوار کار ماهری که به پشت برگشته است. // خواهرم با تعدادی زن به آن تنگه رفتند. کیش لاکیش بر سر داشت و دستمال‌هایش مشوا (دستمال توری مانند و حاشیه‌دار) بود. // خواهرم با تعدادی زن به آب‌ریز رفتند. کیش لاکیش بر سر داشت و دستمال‌هایش نقره نشان بودند.

با توجه به جایگاه زن در فرهنگ بختیاری، برای حل برخی از مشکلات زنان طبق آداب و رسوم خاصی، دخالت و معمولاً مشکل را رفع می‌کردند. نمونه آن، رسم مینا به گردن انداختن بود که معمولاً زنانی که جایگاه اجتماعی بالایی داشتند، دست به چنین کاری می‌زدند. در ابیات زیر اشاره شده است برای جلوگیری از کشته شدن افراد، زنان مینا خود را می‌گدند و دور گردن تاب می‌دادند:

مابِسند مینانه گند، دِر دا و گِرده	مَکَشین آقا نظر، تَرهد و پَرده
------------------------------------	--------------------------------

(شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۶۴)

māpesand maynāne kand der dā ve garde/ makošin āqā nazar narahd ve parde.

برگردان: ماه‌پسند، مینایش را درآورد و به دور گردن تاب داد. آقا نظر را نکشید که هنوز داماد نشده است.

۲-۴-۲. جنس و تزیینات تن‌پوش‌های زن متوفی (نیم‌تنه) در سوگ‌سروده‌ها

نیم‌تنه زن متوفی، از جنس مخمل یا خارا بوده است که این صفت‌ها دلالت بر منزلت بالای اجتماعی زن متوفی دارد:

سَرپِلِ نازکِ آی، نیم‌تِه مَخَمَل	هَر چی که سَیلِ ایزَنم نیدت و زَنگَل
سَرپِلِ نازکِ آی نیم‌تِه خارا	هَر چی که سَیلِ ایزَنم نیدت و مالا

sarepale nāzok ay, nimtane maxmal/ har či ke sayl izanom nidet ve zangal  
sarepale nāzok ay, nimtane xārā/ har či ke sayl izanom nidet ve mālā.

بررسی بازتاب منزلت اجتماعی زنان بختیاری... (ص ۶۵-۸۷)-----ابراهیم ظاهری عبدوند و همکار ۸۳

برگردان: ای زن دارای موهای نازک و نیم‌تنه مخمل‌پوش، هر چه نگاه می‌کنم، میان زن‌ها دیده نمی‌شوی. // ای زن دارای موهای نازک و نیم‌تنه خارا پوش، هر چه نگاه می‌کنم در میان ایل و طوایف دیده نمی‌شوی.

زنان بختیاری به خصوص زنان ثروتمند از انواع مختلف جواهر استفاده می‌کنند: «زنان ثروتمند، جواهر بسیاری به خود می‌آویزند که گاه چند صد لیره سکه طلا ارزش دارد و آن‌ها را در صورت لزوم مورد استفاده قرار می‌دهند. از انواع دستبند، خلخال، گردنبند مروارید و انگشترهای الماس یا اجناس دیگر به عنوان زینت استفاده می‌کنند» (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ۱۱۴؛ به نقل از کولیور رایس، ۱۳۶۶: ۶۱). در بیت زیر به انگشترهای متعدد زن متوفی اشاره شده که یکی دیگر از راه‌های بیان منزلت زنان در فرهنگ بختیاری است:

پنجه‌ها انگشتری و ره فنجوو      خرج سنگی راست کُنه و سی بُزرگوو  
panjehā angoštari ve rahe fenjū/ xarje sangi rāst kone ve si bozorgū.  
برگردان: بر انگشت‌هایش انگشتر است و برای بزرگان غذایی زیاد آماده می‌کند.

۲-۴-۳. جنس و تزئینات پاپوش‌های (شلوارهای) زن متوفی در سوگ‌سروده‌ها

شلوار زن متوفی نیز از جنس قصب (ابریشمی) است:  
بِویم زِ بویِ یله سرِ شاو<sup>۷</sup>      شولارس قَصَو و گِل نِدرِاو<sup>۸</sup>  
bevim ze beviyale sare šāhe/ šawlārās qasawve ve gel niderāhe.

برگردان: بی‌بی من از بی‌بی‌های منطقه سرشاه است. شلوارهایش از جنس قصب است و پای بر زمین نمی‌گذارد.

۲-۴-۴. تمیز بودن پوشش زن متوفی

همچنین برای نشان دادن تشخیص زنان، اشاره به پاک و تمیز بودن پوشاک می‌شود؛ چنان‌که در ابیات زیر از شسته شدن پوشش زنان سخن گفته شده است یا به شستن پوشاک دعوت می‌شود:  
کزینِه خارم ورس کلک زردی      ششددس و تشدی وریسدس و بردی  
(همان: ۲۸۰)

kazine xārom vores kolke zardi/ šošdes ve tašdi verisdese ve bardī.

برگردان: بر کزینِه خواهرم کرک زردی که آن را شسته و برای خشک شدن، روی سنگی انداخته است. کس کارون ای همه‌تون بجورین      مینامه آرین گیلِس بشورین

kase kārūn ay hametūn bejūrin/ maynāme ārin gilese bešūrin.

برگردان: ای خویشاوندان، همگی بروید پیدا کنید، مینای مرا بیاورید و حاشیه آن را بشوید.

تحت تأثیر آداب آراستگی دوران پدرسالاری، نظام اجتماعی زن را موظف می‌کند که توانایی خانواده را در صرف هزینه به نمایش بگذارد. در شیوه زندگی مردم متمدن امروز نیز خوشنامی خانواده به‌خصوص در دست زن قرار دارد؛ بنابراین، نظام صرف هزینه احترام‌آمیز و تن‌آسایی تظاهری که نگهدارنده اصلی خوشنامی است، در حوزه عمل زن قرار دارد (وبلن، ۱۳۸۶: ۲۰۱). در سوگ‌سروده‌ها نیز برای نشان دادن خوشنام بودن و جایگاه والای متوفی، اشاره می‌شود که وی از پوشاک و زیورآلات زیادی استفاده می‌کرده است. در سوگ‌سروده‌ها، صفت‌های به کار رفته برای پوشاک، بر عکس اشعار عاشقانه و حتی اشعار عروسی، مستقیم‌تر دلالت بر منزلت اجتماعی دارد؛ چنان‌که در این اشعار عنصر رنگ که دلالت بر زیبایی دارد، حذف می‌شود و بیشتر به پوشاک‌های گران‌قیمت و جنس آن‌ها، اشاره می‌شود. در حقیقت در این اشعار توصیف پوشاک دلالت بر این دارد که فرد در آسایش می‌زیسته و از نظر مالی مشکلی نداشته است.

### ۳. نتیجه‌گیری

فرهنگ بختیاری، فرهنگی مردسالار است؛ با وجود این، به زن نگرشی مثبت وجود دارد و برای وی منزلت اجتماعی والا قائل شده‌اند که این منزلت اجتماعی، به طرق مختلف در زندگی روزمره و در موقعیت‌های متفاوت نشان داده می‌شود. در این زمینه، پوشاک زنان نقش بسیار مهمی دارد که در اشعار محلی، بازتاب یافته است؛ در حقیقت در اشعار محلی، آن دسته از پوشاک زنان بختیاری بازتاب داده شده است که به گونه‌ای منزلت اجتماعی آنان را نشان می‌دهد؛ مانند سرپوش‌ها (کزینه، دستمال، کیش لاکیش و مینا)، تن‌پوش‌ها (پیراهن، کلیجه و نیم‌ته)، پاپوش‌ها (شلوار قری، پاکش و کفش) و تزئینات (گردری، بندسوزن، ریال، عنبر، حاشیه‌دوزی و منجوق دوزی). در این فرهنگ، برای نشان دادن منزلت اجتماعی زنان یا منزلت بخشیدن به آنان از طریق پوشاک، به دو عنصر زیبایی و گران‌قیمت بودن توجه شده است. برای نشان دادن زیبایی، رنگ (آبی، قرمز، سبز و زرد)؛ اما برای نشان دادن گران‌قیمتی، جنس پوشاک، تزئینات آن و زیورآلات، برجسته شده است. در اشعار عاشقانه، از آن‌جا که معشوق ممکن است از میان طبقات مختلف جامعه از جمله طبقه پایین انتخاب شود، معشوق می‌کوشد تا تشخص و منزلت وی را از طریق عنصری نشان دهد که خصلت طبقاتی نداشته باشد؛ بنابراین در این اشعار، عنصر رنگ نمود بیشتری دارد. در اشعار مربوط به عروسی، معمولاً خانواده‌ها می‌کوشند تا امتیازها و برتری‌های خانوادگی خود را نسبت به خانواده داماد نشان دهند؛ بدین سبب هم از زیبایی‌های عروس و لباسش، هم از گران‌قیمت بودن آن و هم از دادن هدیه‌های گران‌بها که معمولاً زیورآلات هستند، سخن گفته می‌شود. گفتنی است در بسیاری از موارد، به چنین امری تظاهر می‌شود و ممکن است که زن چنین جایگاهی را در عالم واقع نداشته باشد. در فرهنگ بختیاری، از مهم‌ترین

بررسی بازتاب منزلت اجتماعی زنان بختیاری... (ص ۶۵-۸۷)-----ابراهیم ظاهری عبدوند و همکار ۸۵

مضامین سوگ سروده‌ها، اشاره به جایگاه بالای متوفی است که در اشعار مربوط به زنان، به توصیف پوشش، پاکیزه بودن و زیورآلات گرانبهای زن در زمان زندگی پرداخته می‌شود و با نشان دادن توانایی زن در صرف هزینه، برای وی و خانواده‌اش منزلت اجتماعی کسب می‌گردد.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- سرحد: بیلاق بختیاری (بازفت و کوه‌رنگ و...).
- ۲- باوآمد: روستا و امام‌زاده‌ای در بخش مرکزی شهرستان اندیکا، استان خوزستان.
- ۳- دشتی سرسبز در شهرستان اندیکا.
- ۴- بیست و چهار آستان: منطقه کوچ‌رو و صعب‌العبور در کوه تاراز.
- ۵- چری: از رشته کوه‌های زردکوه بختیاری در شهرستان کوه‌رنگ.
- ۶- دلا: از دیگر رشته کوه‌های زاگرس که بین منطقه جلو و شهرستان اندیکا در استان خوزستان قرار دارد.
- ۷- سرشاه: منطقه زیارتی در شهرستان لالی استان خوزستان.

### منابع

#### کتاب‌ها

- تسلیمی، علی، (۱۳۹۵)، نقد ادبی: نظریه‌های ادبی و کاربرد آنها در ادبیات فارسی، تهران: نشر اختران.
- تمیم‌داری، احمد، (۱۳۹۳)، فرهنگ عامه، تهران: مه‌کامه.
- چیت‌ساز، محمدرضا، (۱۳۷۹)، تاریخ پوشاک ایرانیان: از ابتدای اسلام تا حمله مغول، تهران: سمت.
- حسین‌پور، علی، (۱۳۹۱)، فرهنگ و ادبیات کودکان بختیاری، شهرکرد: نیوشه.
- حنیف، محمد، (۱۳۸۶)، سور و سوگ در فرهنگ عامه لرستان و بختیاری، تهران: طرح‌آینده.
- ذوالفقاری، حسن، (۱۳۹۶)، زبان و ادبیات عامه ایران، تهران: سمت.
- شفقی، مریم و دادرس، مهدی، (۱۳۹۶)، موادی برای مطالعه گویش بختیاری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- غیبی، مهرآسا، (۱۳۸۵)، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران: انتشارات هیرمند.
- قنبری عدیوی، عباس، (۱۳۹۱)، فولکلور مردم بختیاری، شهرکرد: نیوشه.

- کارکن جلال، راضیه، (۱۳۹۱)، نشانه‌شناسی پوشاک ایرانیان در دوره قاجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر، اصفهان.
- کولیوررایس، کلارا، (۱۳۶۳)، زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- گیدنز، آتونی، (۱۳۹۳)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- لوشر، ماکس، (۱۳۹۳)، روان‌شناسی رنگ‌ها، ترجمه حمیدرضا بلوچ، تهران: شباهنگ.
- مهدی‌زاده، محمد، (۱۳۸۷)، رسانه‌ها و بازنمایی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مهرآبادی، متیرا، (۱۳۷۹)، زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی، تهران: نشر آفرینش- نشر روزگار.
- وبلن، تورستین، (۱۳۸۶)، طبقه‌تن‌آسا، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

#### مجلات

- الهی، محبوبه، (۱۳۸۹)، «لباس به مثابه هویت»، مطالعات ملی، سال یازدهم شماره دو، صص ۳-۳۰.
- انصاری یکتا، مریم، احمدی‌پیام، رضوان، (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی پوشش زنان تصویر شده در شاهنامه بایسنقری و شاه طهماسبی»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۶، شماره ۴، صص ۵۳۱-۵۵۱.
- بابایی، پروین، اکبری، فاطمه، (۱۳۹۶)، «زیبایی و منزلت: بررسی جایگاه سکه در زیورآلات و تزیینات پوشاک زنان در ایران»، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۴۸ و ۴۹، صص ۶۷-۸۴.
- دیگار، ژان پیر، (۱۳۸۳)، «پوشاک بختیاری‌ها و سایر اقوام»، پوشاک در ایران زمین، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر.
- زاهد، سعید و کاوه، مهدی، (۱۳۹۱)، «گفتمان‌های پوشش ملی در ایران»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره اول، شماره ۴، صص ۴۹-۷۴.
- شالچی، وحید، (۱۳۹۲)، «عطش منزلت در جامعه ایرانی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲، صص ۳۰-۵۶.

بررسی بازتاب منزلت اجتماعی زنان بختیاری... (ص ۶۵-۸۷)-----ابراهیم ظاهری عبدوند و همکار ۸۷

- کیوان آرا، محمود، ربانی، رسول، ژیان پور، مهدی، (۱۳۸۹)، «قشربندی اجتماعی و اصلاح بدن و جراحی زیبایی به مثابه نماد و پایگاه اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۷، صص ۷۳-۹۸.

- موسوی راد، سید مصطفی و کبیریان، زینب، (۱۳۹۷)، «جزئیات پوشش سنتی زنان رفسنجان در دوبیتی‌های محلی»، ادب فارسی، سال ۸، شماره ۱، صص ۲۱-۳۶.

- یاسینی، سیده راضیه، (۱۳۹۶)، «مطالعه فرهنگی و جامعه‌شناختی پوشاک سنتی زنان کناره دریای جنوب (بوشهر، هرمزگان و خوزستان)»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۹، شماره ۲، صص ۱۸۵-۲۰۷.

#### منابع لاتین

-Vahman ,fereydun, Asatrian, Garnik(1995).**Poetry of the Baxtiārīs: Love Poems, Wedding Songs, Lullabies, Laments, Denmark: munksgaard eport and subscription service.**